

دریای کاسپین

عزیز طویلی

قسمت دوم



«نام دریای کاسپین»

سخن از دریای (کاسپین) که نامش بر صفحات زیادی از نقشه های جغرافیایی دنیا به جز در ایران همه جا به چشم می خورد، سالیانه میلیون ها تن اجناس و بارهای مختلف برای ایران و کشورهای هم جوار و یا از سراسر دنیا و از طریق دریای کاسپین حمل و یا بدان جا، و بدست آنان می رسد، از این رو می گفتند که:

«دریای کاسپین همانند ستاره ای در میان دریاهای جهان می درخشد، با این که در طول تاریخ خصوصاً هزار سال پیش نام های زیادی، بر این دریا نهاده شده که مورد استفاده قرار گرفته است.

از این رو تصمیم گرفته ام، همانطور که نام «کاسپین» را ظرف مدت بیش از ۱۹ سال (یعنی از سال ۱۳۶۸ شمسی) بین مردم خصوصاً اهالی رواج داده ام، و اکنون به نوشتن این نام بسیار قدیمی بر پیکر شهر و دیارمان بنویسم، تا همه کسانی که در کنار این دریا زندگی می نمایند با افتخار از نام کاملاً ایرانی و جهانی (کاسپین) استفاده کنند، کماینکه اهالی - بندر انزلی، بهرجائی که ممکن است نام (کاسپین) را بر روی تابلوهای مختلف هتل ها، پلاژها، مغازه ها، اجناس و... ثبت نموده اند.

برای این منظور بهتر است که درباره یک نویسنده خارجی و بسیار قدیمی که اکثر تاریخ نویسندگان ایرانی با افتخار از آن یاد می نمایند و خصوصاً تاریخ پژوهان ایرانی و بسیاری از خارجیان بنام وی تکیه می کنند و با نوشتن مطالب از او یاری می طلبند و چشم بسته به دنبالش روان هستند و نوشته هایش را وحی نازل می دانند. «هرودوت» است. که ناچارم چون درباره اش بسیار نوشته شد و سخن ها گفته اند، یاد نمایم. این مورخ بیش از همه به مردم ایران و تاریخ کشور ما بدو بیره نوشته که بیشتر نوشته هایش غلط و غیر واقعی بوده است.

اکنون، گفته های خود را به نوشته تعدادی از دانشمندان بزرگ و نامدار جهانی درباره «هرودوت» می نویسم، تا خدای نکرده نگویند که تابع احساسات شده و خواسته ام به چنین کاری دست زده و از حقیقت دور گردم تا آن نویسنده بزرگ دنیای غرب را از نظر خوانندگان کتاب، دور سازم، حال بدون این که من ایرانی تیشه مخالفت بردارم و به ریشه این دشمن ایران و ایرانی بپردازم، بدون کوچک ترین نظر خود، عین گفته های بزرگان خارجی خصوصاً یونانیان را در زیر می آوریم:

مرحوم حسن پیرنیا، (در کتاب اول . تاریخ مشرق قدیم) درباره «هرودوت» آورده است که: (اگرچه، او را پدر مورخین خوانده اند ولی درباره امر، نخستین مورخ نبوده، زیرا قبل از او اشخاص دیگری مانند «هکاته» چیزهایی نوشته که به ما نرسیده و ظن قوی می رود که «هرودوت» و مورخین قرون بعد، از این نوشته ها، استفاده کرده اند، بی آن که اسم مؤلف را برده باشند.)

«هرودوت» از اهل «هالی کارناس» مستعمره ی یونانی در آسیای صغیر بوده و چون این شهر، جزء مستملکات ایران بشمار می رفت، مورخ مذکور از تبعه ایران محسوب می شد، مدت زندگانی او را از ۴۸۴ تا ۴۲۵ سال قبل از میلاد دانسته اند.

... «اوسوبوس» وقایع نگار ثقه قرن سوم میلادی راجع به سال

۴۴۵ تا ۴۴۶ می گوید

«هرودوت» کتاب خود را در آتن، در ملاء عام خواند و به افتخاراتی بزرگ نایل شده است.

«پلوتارک» از قول

«دی ثیل» نامی و مورخ

آتن، از قرن سوم قبل از

میلاد گفته: «آتنی ها، در

ازای تمجیداتی که

«هرودوت» از آن کرده بود، ده تالان، بار دادند، اگر چه در مبلغ انعامی که به او دادند یقیناً مبالغه شده زیرا آتن اینقدر غنی نبوده که برای کتابی، دوازده هزار تومان به پول کنونی بدهد. ولی ذکری که مورخ مذکور کرده می رساند که چیزی بوده و چیزهایی گفته اند.

«دیون خری سس تم» نیز گفته است که:

«هرودوت» در ازای کتاب خود از «کرنیتها» وجهی خواست، آن ها جواب دادند که «نام نیک چیزی نیست که در بازار خرید و فروش

شود.»

«هرودوت» از آن ها، در کتاب خود در جایی که تاریخ جنگ سالامین را نوشته، بد، گفت، این است آنچه بنابر منابع قدیم راجع به «هرودوت» گفته می شود، ولی اکثر محققین جدید مایل اند که این گفته ها را، عاری از صحت بدانند، با وجود این اسامی اشخاصی را که در عهد قدیم از او بد یا خوب گفته اند ذکر می کنیم:

«ارسطو» اسلوب انشاء: «هرودوت» را برای تاریخی پسندیده ولی او را افسانه گو نامیده و ضمناً غلط های کتاب «هرودوت» را راجع به علوم طبیعی نشان داده ...

«توسیدید» مورخ معروف و درست نویس یونانی، که تاریخ جنگ های «پلویونس» را نوشته، در مقدمه کتاب خود گوید که:

«هرودوت»، «نثرنویسی است که به حقیقت نویسی علاقمند نبوده است»

«کنزیانس» را هم مورخین دیگر تکذیب کرده اند

«ژوزف فلاویوس» مورخ یهود، از قرن اول میلادی، می گوید که:

«که همه دروغ گوئی «هرودوت» را ثابت می کردند و «مان تن»

مورخ مصری گفته است که

«در نوشته های «هرودوت» راجع به مصر غلط های زیادی است»

«سی سرون» نطق معروف رومی «هرودوت» را ابوالمورخ نامیده و

گوید:

«نوشته های او مانند «ان نیو» پر است از افسانه های گوناگون»

«دیو دورسی سی لی» گوید:

«کتاب ۱ بند ۶۹. اختراعات و افسانه هائی را که «هرودوت» عمدأ در

تاریخ مصر داخل کرده بسکوت خواهیم گذراند»

«سترابون» جغرافیا دان عالم قدیم گفته که:

«به شعرای قدیم، مانند «هومر» و «هربود» بیشتر می توان اعتماد

کرد تا به «هرودوت» و مورخین دیگر عهد قدیم»

«دنیس هالی کارناسی» مورخ یونانی، که معاصر «یولیوس» سزار «واکوست» بود و قسمتی را از تاریخ روم نوشته شده و در میان تاریخ نویسان یونانی «هرودوت» را لایق نخستین مقام دانسته و او را بر «توسیدید» ترجیح داده ...)

این ها خلاصه مطالبی است که درباره «هرودوت» گفته شده است و این می رساند که «هرودوت» چگونه دروغ هائی را در لابلای نوشته های تاریخی، تاریخ نویسان کهنسال و قدیمی، بیان می داشته است ولی آنچه مسلم می باشد، بیگانگان آنچه خواستند با همین بیگانگان، علیه ایران و ایرانی نوشته اند. خصوصاً یونانیان، از کهنسال ترین زمان، با پیشرفت مردم ایران در سازندگی های بیشتر علناً با ایران و ایرانیان به مخالفت برخاستند.

امید است در لابه لای صحبت ها و نوشته هائی که در پیش داریم، بیشتر و روشن تر به این مسئله به پردازیم. تا هم وطنان عزیز و ارجمند، بدانند، بیگانگان همه چیز ایران را به راحتی به نابودی کشانده و آنچه که نیک و خوب بوده و در ایران وجود داشته بنام خود، ثبت کردند. غافل از این که ایرانی هنوز زنده است و امروزه بهمه چیز دست یافته و بهتر از مغرضان تاریخ به پاسخ گوئی گفتارها، می پردازند.

«چرا کاسپین؟»

ناچارم به بسیاری از مسائل، از جمله نام دریای شمالی سرزمین، یعنی «دریای کاسپین» به تکاپو، پردازم، از این رواندک، اندک، به این موضوع پرداخته و با پی گیری مطالب به آن روی آوردم تا به خواسته خود عمل نموده و آنچه که خواستم بدست آوردم.

زیرا بعلت نام های فراوان و زیادی که تاکنون به روی این دریا، قرار داشته (که متعاقباً به آن خواهیم رسید) می باید به تلاش واقع گرانه دست بزنم که لازم است هر چه بیشتر در این راه تلاش نمایم تا همگان را بیشتر و بهتر برای این مسئله روشن سازم.

زیرا، نام (دریای خزر) را که روی بسیاری از نقشجات ایرانی می بینیم، با تحقیقاتی مفصل و پی گیر و مدام، از سال های پیش انجام داده ایم، بالاخره به این نتیجه رسیده ایم که با توجه به مواردی که قبلاً نوشته ایم، کلمه (کاسپین) بیش از چندین هزار سال است بر روی نقشجات جهانی قرار گرفته است. که متأسفانه، هم وطنان بسیار عزیز ما، بدون توجه به معانی آن، همان گونه، مورد استفاده قرار می گیرد.

از طرفی بسیاری از نویسندگان و حتی دانشمندان پر توان سرزمین ما، و مترجمان کتاب و نشریات خارجی، که نوشته ها را در ایران، ترجمه می کنند و یا اقتباس می نمایند، کلمات خارجی را بر نقشجات ایرانی به جای کلمه (کاسپین) به «خزر» تبدیل کرده و این کار را هم چنان ادامه می دهند، در حالی که فقط دقایقی می باید فکر نمایند که معنی «خزر» چیست، آیا این کلمه فارسی است و یا ایرانی است که از آن استفاده می شود و در بیشتر نقشجات ایران و کتاب های دانش آموزان و بهتر است بگویم دانش پژوهان کلمه «خزر» بچشم می خورد.

این کتاب که بسیار خلاصه تهیه شده، و نقشجات فراوانی نیز در دست است که تعدادی از آن ها، در همین کتاب آمده است که در چاپ منعکس شده، امید است خوانندگان گرامی با مطالعه آن، برای نام دریای خزر (نام کاسپین) را انتخاب و بر سینه تاریخ کشور عزیزمان جای دهند، زیرا کلیه کشورهای جهانی با هر زبان و ایده

حکومتی که دارند کلمه (کاسپین) را انتخاب کرده اند، چرا در کشور ایران ما چنین کاری نکنند.

در دنباله این بحث آنچه که لازم به نوشتن است، خواهیم نوشت و مسئله (دریای کاسپین) را بیشتر مطرح خواهیم کرد. امید است مورد توجه همگان قرار گیرد، زیرا کاری است برای وطن ما، که همه باید در راه اعتلای میهن عزیزمان، در آن یکپارچه شریک باشیم. اکنون به ادامه نوشته می پردازیم:

مرحوم حسن پیرنیا، نوشته است که:

(... از آسیای وسطی «دریای کاسپین» یا خزر ... ۳)

ص ۲۰ ج ۱. تاریخ شرق قدیم - ایران باستان

و هم چنین در این باره آن مرحوم نوشته است که:

(... از طرف شمال چنانکه گفته شد. فلات ایران به «دریای خزر

«محدود است، این اسم به مناسبت مردمانی می باشد که موسوم به «خزر» بوده، در کنار شمال غربی این دریا، به قرن ها بسر برده اند.

در عهد قدیم آنرا «کاسپین» یا دریای «گرگان» می نامیدند، اسم اولی به مناسبت مردمی بود که در کنار این دریا سکنی داشتند و «سترابون» آن ها، را کاسپی نامیده است «کتاب ۱۱ فصل ۸ بند ۸»

جغرافیای عرب «کاسپین» را «قزبین» کرده اند. این دریا، از

حیث عمق به سه قسمت تقسیم شده و گودترین جاهای آن در قسمت جنوبی است «که در قسمت ایران و حدود تنکابن، می باشد که بیش از ۹۰۰ متر است - ن» زیرا شمال دریا، از جهت لای، رود بزرگ «اوایل» = «ولگا» که به دریا، می ریزد کم عمق می باشد.

سطح دریا، ۲۶ متر از سطح اقیانوس پائین تر است و چنانچه به تجربه رسیده، همواره فرو می رود و سبب آنرا، از تابستان های بسیار گرم و تبخیر زیاد آب دریا می دانند.

«هون تینگ تون» عقیده دارد:

«که سطح دریای خزر، در زمان اسکندر، ۱۵۰ پا بالاتر از سطح کنونی آن بوده است»

(مشخصات شمال و جنوب دریای خزر «کاسپین»:

۴۷ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی - ۲۶ درجه و ۳۳ دقیقه عرض

شمالی - مشخصات غرب شرق کاسپین «خزر»

۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی - ۵۴ درجه و ۵۰ دقیقه طول

شرقی - طول دریای کاسپین «خزر»

طول دریای کاسپین «خزر» ۱۲۰۰ کیلومتر

عرض دریای کاسپین «خزر» بزرگترین ۵۵۴ کیلومتر

عرض دریای کاسپین «خزر» باریکترین ۲۰۲ کیلومتر

عرض متوسط ۳۱۰ کیلومتر

مساحت ماکزیمم ۴۱۲۰۰۰ کیلومتر مربع

مساحت مینیمم ۳۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع

مساحت میان گین ۳۹۳۰۰۰ کیلومتر مربع

طول محیط دریای کاسپین «خزر» ۶۵۲۵ کیلومتر

طول ساحل ایران ۹۹۵ کیلومتر

حجم آب دریای کاسپین «خزر» ۷۷۸۶۰ کیلومتر مربع

عمق گودترین منطقه ۱۱۰ متر

عمق متوسط ۱۸۰ متر

اردیبهشت ۱۳۸۷

ادامه